



«طرز تشخیص مفعول در جمله»

۱. در جواب "چه چیز را" و "چه کسی را".

كَتَبَ عَلِيٌّ دَرَسَه. علی درسش را نوشت. چه چیزی را نوشت؟ درس را. درس: مفعول
صَرَبَ الرَّجُلُ الْعَدُوَّ. مرد دشمن را زد. چه کسی را زد؟ دشمن را. عدو: مفعول

۲. افعال بعضی از باب های ثلاثی مزید که همیشه یا گاهی متعدیند، مسلماً مفعول دارند. باب های: افعال، تفعیل، مفاعلة و استفعال.

مانند: كَاتَبَتْ فَاطِمَةُ صَدِيقَتَهَا. فاطمه با دوستش مکاتبه کرد. صَدِيقَةٌ: مفعول
اِسْتَعْفِرَ اللهُ. : از خدا آمرزش بخواه. اللهُ: مفعول

۳. اگر در ترجمه ی جمله ای حرف اضافه ذکر شود، اما آن حرف اضافه در خود جمله موجود نباشد، کلمه ی پس از روح حرف

اضافه (!! (ع) (ع) مفعول است: سَأَلَ الْمَعْلَمُ الطَّالِبَ. معلم از دانش آموز سؤال کرد. "از" کو؟ نیست! پس "طالب" مفعول است؛ اما اگر آن حرف اضافه وجود داشته باشد، حرف جر حساب می شود و اسم بعدی مجرور به حرف جر. مثلاً: مِنَ الطَّالِبِ یا عَنِ الطَّالِبِ : جار و مجرور.

** توجه: حرف اضافه و متمم زبان فارسی در زبان عربی دو حالت دارد: أَلْف) آن حرف اضافه در جمله ی عربی موجود است. در آن صورت حرف اضافه و متمم جار و مجرورند. أَطْلَبُوا الْعَلِمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ. مِنَ الْمَهْدِ: جار و مجرور، إِلَى اللَّحْدِ: جار و مجرور (ب) یا حرف اضافه فقط در ترجمه ی >ن جمله است و در اصل جمله ی عربی وجود ندارد، بنابراین آن متمم، مفعول است. قَاتَلَ الْجَيْشُ الْعَدُوَّ. ارتش با دشمن مبارزه کرد. حرف "با" در جمله ی عربی وجود ندارد، پس "العدو" مفعول است.

** توجه: بعضی از افعال متعدی گاهی یا همیشه دو مفعول می پذیرند. مانند: جَعَلَ (قرارداد)، وَجَدَ (یافت)، عَلَّمَ (یاد داد)، حَسِبَ (گمان کرد)، أَعْطَى (بخشید، عطا کرد)، سَلَبَ (زُبود)، سَأَلَ (سؤال کرد، درخواست کرد)، كَلَّفَ (تکلیف کرد)، رَأَى (اگر به معنی نگاهستن، فهمیدن و نظردادن و.. باشد)، أَرَى (نشان داد: ثلاثی مزید (أَرَى، يُرَى، أَرِ، إِرَاءَةٌ / باب افعال): مربوط به پایه ی دوازدهم) و.. مَن عَلَّمَنِي حَرْفًا فَقَدْ صَبَّرَنِي عَبْدًا. عَلَّمَ: فعلِ دومفعولی، ي: مفعول اول، حرفاً: مفعول دوم.
رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ. اجْعَلْ: فعلِ دومفعولی، ي: مفعول اول، مُقِيمَ: مفعول دوم.

صقیقے

